

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجله علمی تخصصی مطالعات قرآنی و حدیثی

دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و حدیث

سال دوم، شماره اول / پاییز و زمستان ۱۳۸۷

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق (ع)

مدیر مسئول: دکتر رضا محمدزاده

سرمدیر: دکتر کامران ایزدی مبارکه

مدیر داخلی: دکتر عباس مصلائی پور یزدی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

آذرتاش آذرنوش استاد دانشگاه تهران
کامران ایزدی مبارکه دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
محمدباقر باقری کنی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
عبدالکریم بی آزار شیرازی دانشیار دانشگاه الزهراء (س)
احمد پاکتچی استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید محمدباقر حجتی استاد دانشگاه تهران
سید حسن سعادت مصطفوی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید کاظم طباطبایی استاد دانشگاه فرودسی
سید رضا مؤدب استاد دانشگاه قم

مترجم چکیده‌ها به انگلیسی: دکتر محمود کریمی

طراح جلد: رسول خسرویگی

مقالات این دوفصلنامه لزوماً بیان‌کننده دیدگاه دانشگاه نیست.

نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

۲۱۰ صفحه / ۳۰۰۰۰ ریال

امور علمی و تحریریه: دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۳۷۴، شماره: ۸۸۰۸۰۴۲۴

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

امور فنی و توزیع: مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی، اداره نشریات

داخلی ۲۴۵، شماره: ۸۸۵۷۵۰۲۵

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

<http://mag.isu.ac.ir>

E-mail: mag@isu.ac.ir

رویکردهای نوین تفسیری در شبه قاره هند؛ نقد و بررسی تفسیر «ترجمان القرآن»

تاریخ دریافت: ۸۷/۰۲/۱۵

جعفر رضی خان*

تاریخ پذیرش: ۸۷/۰۵/۲۰

چکیده

رویکردهای نوین تفسیری در شبه قاره هند، حاصل تماس مستقیم یا غیرمستقیم با قدرت‌های استعماری غرب، در اواسط قرن نوزدهم است. سید احمدخان (۱۸۹۸-۱۸۱۷ م.) جزء اولین مفسرینی است که تلاش کرد مفاهیم اساسی قرآن را با کمک یافته‌های علوم جدید در شبه قاره ارائه نماید. تفسیر ایشان در حلقه علمای سنتی نه تنها با استقبال جدی مواجه نشد، بلکه عکس‌العمل‌هایی را نیز به همراه داشت. در این میان، محی‌الدین احمد، معروف به مولانا ابوالکلام آزاد ۱۹۵۸-۱۸۸۸ م.)، ادیب، عالم و فعال سیاسی مشهور، با وجود این‌که زندگی پرفراز و نشیبی در عرصه سیاست داشت، موفق به ارائه ترجمه و تفسیری از قرآن کریم با نام «ترجمان القرآن» به زبان اردو شد. تفسیر وی مورد استقبال در محافل تجددگرایان و همچنین علمای سنتی قرار گرفته است. البته ناگفته نماند که آزاد در رویکرد نوین به مسایل، از افکار احمدخان بسیار متأثر بوده است. تفسیر وی اگرچه رویکردی نوین نسبت به مسایل معاصر را به ذهن متبادر می‌سازد، در عین حال، خالی از نگاه سنتی به مسایل طرح شده در آیات نیست. وی در این تفسیر تلاش فراوانی کرده و واژه‌ها و مفاهیم را به همان نحوی که در زمان پیامبر(ص) فهمیده می‌شد، تفسیر نماید. آزاد بر این مطلب تأکید فراوان دارد که قرآن یا اسلام نیامده تا دینی جدید ارائه کند؛ بلکه پیروان سایر ادیان را دعوت می‌کند به تعالیم اصیل خویش عمل کنند.

واژگان کلیدی

شبه قاره هند، روش‌های تفسیری، سید احمدخان، ابوالکلام آزاد، ترجمان القرآن

طرح مسئله

اندیشمندان فعال مسلمان هند در زمینه ترجمه و تفسیر قرآن کریم به زبان‌های عربی، فارسی، اردو و همچنین سایر زبان‌های محلی هند، تلاش‌های ارزشمندی داشته‌اند و آثار ارزشمندی در این زمینه ارائه کرده‌اند.

ابوالکلام محیی‌الدین احمد (۱۹۵۸-۱۸۸۸ م.)، از جمله کسانی بود که توانست بر حیات سیاسی و فرهنگی مسلمانان قاره هند تأثیر قابل توجهی داشته باشد. این نوشتار با هدف معرفی شیوه تفسیری یا گرایش تفسیری وی، درصدد پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. انگیزه او از نگارش این تفسیر چه بود؟
۲. شرایط او هنگام نگارش این تفسیر چه بوده است؟
۳. اصول و مبانی تفسیر آزاد چه بوده و بر چه نوع از مباحث و آیات تأکید داشته است؟
۴. چرا آزاد تأکید فراوان بر وحدت ادیان به صورت عموم و تأکید بر وحدت بین پیروان آیین هندو و اسلام دارد؟
۵. افکار آزاد در میان مسلمانان و پیروان سایر ادیان در شبه قاره هند از چه جایگاهی برخوردار است؟

۱. شرح حال ابوالکلام آزاد

وی در یک خانواده سنتی و مذهبی هندی در مکه در سال ۱۸۸۸ م. به دنیا آمد و دو سال پس از تولد، به همراه خانواده‌اش به هند برگشت و در شهر کلکته سکونت اختیار کرد. مادر وی از نژاد عرب بود؛ به همین جهت زبان عربی علاوه بر این‌که زبان مادری وی محسوب می‌شد، زبان تحصیل او در علوم اسلامی نیز به شمار می‌رفت. بیشتر علوم سنتی اسلامی، از جمله تفسیر و حدیث، و زبان‌های فارسی و اردو را نزد پدر به صورت آموزش کلاسیک بدون این‌که در مؤسسه‌های آموزشی یا دانشگاه‌ها تحصیل کند، آموخت. (Kumar, 1991, p.18؛ Douglas, 1993, p.13؛ G. Rasool, 1973, p.23)

ملیح‌آبادی، ۱۹۶۵ م.، ص ۴۱۲)

آزاد تحصیلات مقدماتی خود را از خانه خود آغاز نمود. پدر آزاد که خود عالمی سنتی محسوب می‌شد، در ابتدا، آموزش سطح مقدماتی وی را به عهده گرفت. سپس گروهی از معلمان را برگزید تا فرزندش آنچه را که در مدارس اهل تسنن آن روزگار هند تعلیم داده می‌شد، فراگیرد. (Aziz, 1964, p.33)

دوره درس نظامیه که شامل زبان عربی، زبان فارسی، ادبیات و یک دوره تعلیمات دینی سنتی بود و معمولاً طلاب در سنین نسبتاً بالاتری به پایان می‌بردند، وی در سن ۱۵ سالگی به پایان رساند. (Aziz, 1964, p.33)

از اینجا مشخص می‌شود که آزاد در خانواده‌ای مذهبی و سنتی بزرگ شده که مجال هیچ نوع پرسشی درباره آموزه‌های مذهبی یا سنت‌های رایج نداشته است. در عین حال، آشنایی با افکار و آثار احمدخان تأثیر فراوانی بر او داشته است. او در سن پانزده سالگی مقالات علمی زیادی را در زمینه علوم اجتماعی، در مطبوعات ارائه نمود و مجلات مستقلی را برای این مقصود راه‌اندازی کرد. (Hasan, 1987, p.3; Siddiqi,)؛ Gupta, 2006, Vol. 3, p.155؛ 1982, p.75 Kumar, 1991, p.25؛ م.۱۹۶۸، ص ۳۶۶؛ رام، ۱۹۷۴، ص ۳۵)

وی در همین هنگام به سرودن شعر و نویسندگی پرداخت، و نخستین غزل‌هایش در مجلات ادبی شناخته‌شده آن روز بمبئی، لکهنو و لاهور انتشار یافت. در همین زمان، آزاد مجله‌ای با نام «نیرنگ عالم» به چاپ رساند و در آن اشعار و نوشته‌های منتخب خویش را منتشر کرد. (Ram, 1967, p.12)

آشنایی آزاد با آثار سید احمدخان، مؤسس نهضت علمی علیگره، نقطه عطف و تحول بزرگی در زندگی علمی وی محسوب می‌شود. این آشنایی سبب گردید که به آموزش رشته‌های جدید و مطالعه تطبیقی ادیان روی آورد. آزاد بدین نتیجه رسید که در کنار علوم کلاسیک، به فراگیری زبان انگلیسی و فلسفه و مطالعه انجیل توجه ویژه داشته باشد. وی بخش عمده‌ای از علوم جدید و ادبیات نوین را که به زبان عربی ترجمه شده بود، مطالعه نمود. (Ram, 1967, p.14)

آزاد اعتقاد داشت که سید احمدخان و معتزله، هر کدام در زمان‌های خویش با چالش‌های مشابهی دست‌وپنجه نرم می‌کردند. البته آزاد توضیحات لازم در این زمینه

را ارائه نمی‌کند؛ اما احتمالاً مقصود ایشان ویژگی مشترک هر دو نهضت، یعنی تکیه بر عقل‌گرایی بوده است. (Aziz, 1964, p.35)

آزاد در سنین ۲۰-۱۷ سالگی، با مشاهده اختلاف میان ادیان، دچار بحران روحی شد و به گفته خود پس از سه سال درگیری با این چالش‌های فکری، بر سر دوراهی کفر و ایمان قرار گرفت؛ زیرا وی هیچ‌گونه سازگاری بین یافته‌های جدید خویش با آنچه که از معلمان سنتی خود آموخته بود، مشاهده نمی‌کرد. (Aziz, 1964, p.36)

اما با مطالعات و مشاهدات فراوان، از این مخمصه نجات یافت و آنگاه هدایت شد، و به گفته خود به صورت مسلمان خالص بروز و ظهور کرد؛ یعنی مسلمانی که بر اشتراکات ادیان تأکید می‌کرد و به آموزه‌های سایر ادیان احترام می‌گذارد. (Latif, 1958, p.15; Aziz, 1964, p.37)

دانش‌ها و آموخته‌های تازه او که با تلاش‌های خود او به دست آمده بود، با آنچه از مدرّسان سنتی خویش آموخته بود، سازگاری نداشت. در چنین زمانی، او تصمیم گرفت که خود را از اعتقادات موروثی برهاند. در این هنگام، برای خویش تخلص «آزاد» برگرفت تا دیگر در قیدوبند باورهای موهوم نباشد؛ بلکه مسلمانی حقیقی باشد که اسلام را با تحقیق و آگاهی، آیین خویش برگزیده است. (Aziz, 1964, P.37)

آزاد در سن حدود ۲۰ سالگی، برای دستیابی به آگاهی بیشتر و ارتباط نزدیک با مراکز اسلامی و رهبران دینی، به بسیاری از کشورهای اسلامی مسافرت کرد. او با گذشت سال‌ها، ارتباط خود را با مراکز و جنبش‌های اسلامی علمی حفظ کرد و با افکار متفکران مسلمانانی هم‌چون سید جمال‌الدین اسد آبادی و شیخ عبده آشنایی نزدیکی پیدا کرد. (Siddiqi, 1982, P.78)

وی در این هنگام، به سرنوشت سیاسی مسلمانان هند که در آن زمان زیر سلطه استعمار انگلیس به‌سر می‌بردند، علاقه فراوان نشان داد و برای ارتقای سطح سیاسی و جهت آشنایی با گرایش‌های احزاب، به مطالعه روزنامه‌های انگلیسی‌زبان پرداخت، و مجلات مستقلی هم‌چون «الهلال» را راه‌اندازی کرد و از این طریق مسلمانان را به تمسک به کتاب خدا و سنت پیامبر خدا (ص) فراخواند. (Siddiqi, 1982, p.80)

او پس از مطالعات سیاسی- مذهبی و تفحص فراوان، به عضویت نهضت ملی کنگره درآمد. او از مسلمانان هند نیز می‌خواست که برای آزادی هند به آن حزب بپیوندند. (دریاآبادی، ۱۹۷۰م، ص ۲۷)

آزاد چنین احساس کرد که خداوند متعال وی را برای بیداری مسلمانان انتخاب کرده است و برای تحقق این امر، وی عموم طبقه تحصیل کرده را مخاطب خویش قرار داد. (دریاآبادی، ۱۹۷۰م، ص ۲۸)

آزاد با وجود این که از افکار نهضت علیگره بسیار متأثر بود، اما با ایده سیر سید احمدخان مبنی بر این که مسلمانان برای پیشرفت علمی و اجتماعی باید به پادشاهی بریتانیا وفادار باشند و از نهضت‌های آزادی‌خواه فاصله بگیرند، موافق نبود. (دریاآبادی، ۱۹۷۰م، صص ۲۸-۲۹)

شایان ذکر است که نهضت علیگره به رهبری سیر سید احمدخان، ادعای رهبری مسلمانان شبه قاره هند را داشت. البته حوزه نفوذ آن از طبقه تحصیل کرده و روشنفکر فراتر نمی‌رفت و در اهل تسنن افراطی، «مکتب دیوبند»، و در اهل تسنن متعادل، «مکتب بریلوی»، نفوذ زیادی داشت. پس حوزه مخاطب وی مهم اما محدود بوده است. (دریاآبادی، ۱۹۷۰م، ص ۳۰)

آزاد بر این اعتقاد بود که مسلمانان از کمبود علم و دانش جدید رنج می‌برند. (Hameed, 1998, p.22؛ دریاآبادی، ۱۹۷۰م، ص ۲۵) و در ارتباط با این مسئله، نوشته‌های متعددی در مجله «الهلال» با عنوان «مذاکره علمیّه» در سال ۱۹۱۳ میلادی منتشر کرد. (Al-Hilal, August, 1912, pp.15-16)

آزاد سمبل هم‌گرایی مسلمانان هند به شمار می‌آید و بر وحدت ادیان و به‌ویژه بر اتحاد بین مسلمانان و پیروان آئین هندو تأکید فراوان داشته است. (Gandhi, 1986, p.68,) (Ram, Malik 1967, p.7؛ دریاآبادی، ۱۹۷۰م، ص ۲۵)

وی مخالف سرسخت تقسیم شبه قاره هند بر اساس دین بوده است، و می‌خواست مسلمانان و هندو در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند. (Azad, 1958, p.30;) (Ikram, 1995, p.43, Gandhi, 1986, p.27, Gandhi, 1990, p.15; Kabir, Humayun 1959, pp.10-11)

۲. تألیفات آزاد

تفسیر «ترجمان القرآن» وی مهم ترین نوشته به زبان اردو به شمار می آید. علاوه بر این تفسیر، «تذکرہ» و «غبار خاطر» آثار مهمی است که آزاد از خود بر جای گذاشته است. سایر آثار وی به شرح زیر می باشد:

۱. اعلام حق؛
۲. علم کی حقیقت (به زبان اردو - حقیقت علم)؛
۳. مسلمان عورت (زن مسلمان)؛
۴. تازہ مضامین ابوالکلام آزاد (مسائل معاصر)؛
۵. مسئلہ خلافت اور جزیرہ العرب (مسئلہ خلافت و جزیرہ العرب)؛
۶. قول فیصل؛
۷. متفرق خطوط (نامہ های پراکنده)؛
۸. تقریر؛
۹. نوادر ابوالکلام؛
۱۰. تفسیر ترجمان القرآن؛
۱۱. تذکرہ؛
۱۲. غبار خاطر (مجموعہ خاطر)؛
۱۳. نقش آزاد؛
۱۴. مکاتیب ابوالکلام؛
۱۵. فیصلہ مقدمہ جامع مسجد کلکتہ؛
۱۶. البیرونی اور جغرافیای عالم؛
۱۷. انسانیت موت کے دروازے پر (بشریت روی در مرگ).

آثار آزاد به زبان های محلی و زنده ترجمه شده است. تفسیر «ترجمان القرآن» وی به زبان های محلی هندی و گجراتی و همچنین به انگلیسی و عربی ترجمه شده است.

۳. انگیزه نگارش تفسیر

ترجمه و تفسیر قرآن او به اردو، تحت عنوان «ترجمان القرآن» مهم‌ترین اثر آزاد شمرده شده که حاصل بیش از ۲۰ سال تلاش اوست. برخی محققان «ترجمان القرآن» وی را بهترین و عالمانه‌ترین تفسیر و ترجمه قرآن به زبان اردو می‌دانند. در عین حال، این تفسیر آخرین کتاب آزاد نیز می‌باشد. وی در این تفسیر تلاش کرده معانی و مفاهیم قرآن را به همان نحوی که در زمان پیامبر(ص) فهمیده می‌شد، تفسیر نماید. (Hasan, 1987, p.3; Siddiqi, 1982, p.78)

آزاد بر این اعتقاد است که فهم قرآن صدر اسلام همراه با سعه صدر بوده است، و برخورد و تعامل آنان با سایر ادیان، منطقی و همراه با رأفت بود. اسلام یک آیینی است که به همراه خود پیام‌ها و ارزش‌های جهانی را داشته است؛ ولی مسلمانان با مرور زمان در جهت محدود کردن آن حرکت کرده‌اند. (Ikram, 1995, p.44, Latif, 1958, p.16)

وی بر تعامل و هم‌زیستی با پیروان سایر ادیان تأکید داشت. به همین دلیل با تقسیم شبه قاره هند و در نظر گرفتن کشوری مستقل و جداافتاده برای مسلمانان مخالف بود. وی حدیثی از پیامبر(ص) به مفهوم زیر نقل می‌کند که «خداوند متعال کل جهان را برای من مسجد قرار داده است.» و با استناد به این حدیث، اعتقاد داشت: دلیلی وجود ندارد که مسلمانان شبه قاره برای عمل به اسلام حتماً سرزمین‌های جداگانه داشته باشند. (Latif, 1958, pp.16-17, Siddiqi, 1982, p.79)

وی نه تنها در برخورد با پیروان سایر ادیان روی اصول هم‌زیستی تأکید کرد، بلکه نسبت به فرقه و نحل اسلامی من جمله صوفیه انعطاف‌پذیری بیشتری نشان داد. آزاد با نگارش این تفسیر به دنبال این بود که به نیاز سه گروه از مردم پاسخ دهد؛ «ترجمه قرآن» به اردو، نیازهای خوانندگان متوسط؛ «تفسیر قرآن» نیازهای کسانی که در پی مطالعه مفصل‌تر بودند و پاسخ‌گوی نیازهای محققان سطح بالاتر را برآورده می‌ساخت. (Siddiqi, 1982, p.80)

به اعتقاد آزاد، صحابه در زمان پیامبر(ص) قرآن را به درستی می‌فهمیدند، اما در زمان‌های بعدی، تفسیر با انگیزه‌های متفاوت تألیف شده است. ابوالکلام آزاد در تفسیر «ترجمان القرآن» به‌طور جدی تلاش می‌کند کلمات قرآن را بدان نحو معنی کند که

مقصود خود قرآن است یا بدین نحو که در زمان پیامبر(ص) فهمیده می شده است. البته توضیح بیشتری در این زمینه نمی دهد، اما تأکید بر آیات همزیستی و آشتی با پیروان سایر ادیان مشهود است. (Azad, 1931, Vol.1, p.1)

در یک جامعه ای که متشکل از ادیان و سنت های فراوان بوده است، این احساس به وی دست داد که خدا وی را بدان رسالت خطیر مأمور کرده است. جهت تحقق این امر، وی سال ها قبل از نگارش «ترجمان القرآن» در مجله «الهیال» با عنوان «مذاکره علمیة» مسایل مسلمانان شبه قاره هند را مطرح کرده است. وی تفسیری را به رشته تحریر درآورد که مخاطب های زیادی از طیف های متفاوت داشت. (Hameed and Rizvi, 1990, pp.42-43)

به اعتقاد وی بسیاری از مسایل اساسی اعتقادی به نحو درستی مطرح نمی گردد و مبانی یا ریشه قرآنی ندارد. (Azad, 1931, Vol.1, p.20, Latif, 1958, p.8)

این تفسیر در سه جلد منتشر شده است؛ ولی آزاد تنها توانست شاهد انتشار دو جلد آن در زمان حیات خویش باشد. دو جلد اول را وی در زندان قلعه احمدنگر نوشت و اصلاحات مجددی در آن اعمال نمود، که پس از چاپ اول آن در سال ۱۹۳۰، مجدداً در سال ۱۹۴۵ به چاپ رسید.

وی در این تفسیر حدود دوسوم از آیات قرآن را تفسیر نموده است. آزاد قصد داشت دو کار دیگر را به انجام برساند؛ یکی این که تفسیر مفصل تری از قرآن به نام «تفسیر البیان» را عرضه نماید و دیگر این که «مقدمه» مفصلی نیز به تفسیر ترجمان بیفزاید. وی تنها ۲۳ سوره از قرآن را ترجمه و تفسیر کرد و تا سوره مؤمنون پیش رفته است. در عین حال، در همین مقدار نیز مسایل و نکات عمده و قابل توجهی را خصوصاً در تفسیر سوره فاتحه مطرح کرد. (Latif, 1958, p.8) وی تفسیر فاتحه الکتاب را به صورت مفصل آورده است و آن را به هفت بخش تقسیم نموده و روی موضوعات زیر بیشتر تأکید داشته است:

اهمیت و جایگاه سوره فاتحه الکتاب، حمد، ربوبیت، رحمت (به وجود آمدن جهان و حیات نتیجه رحمت واسعة خداوندی است)، مسئله عدالت خداوندی (دین به مثابه قانون، به مفهوم این که دین به صورت یک قانون الهی بروز و ظهور کرده است)،

مفهوم توحید و منابع و انگیزه آن عقیده، هدایت و درجات آن. (Azad, 1931, Vol.1, p.20)

آزاد در مقدمه تفسیر و در سایر تألیفات خود بر این مطلب تأکید دارد که قرآن نیامده یک دین جدید معرفی کند؛ بلکه آمده است بشریت را از آن نزاعها و جدالهایی که برخاسته از خود دین است، نجات دهد. به اعتقاد وی، قرآن سایر پیروان ادیان را دعوت کرده به تعالیم اصیل مراجعه کنند؛ بدین طریق به وحدت ادیان پی خواهند برد. آزاد بر وحدت پیروان آئین هندو و اسلام تأکید فراوان داشته است. (سید عبدالله، بی تا، ص ۸۷)

۴. جایگاه آزاد در میان متفکران شبه قاره

آزاد جزو معدود دانشمندانی به شمار می آید که در جامعه شبه قاره هند تأثیر به سزایی داشته اند. وی هم سطح سیر سید احمدخان، اقبال لاهوری و ابوالاعلی مودودی محسوب می شود. (Siddiqi, 1982, p.78)

وی در میان بسیاری از مسلمانان متعادل و هندو مورد احترام بوده است. (Ram, 1967, p.62)

موافقان و مخالفان، آزاد را به دلیل سعه صدر و تسلط وی بر منابع اصلی اسلام، آشنایی او با سایر ادیان و برخورد منطقی و عقلایی با مسائل و قدرت استدلال ستوده اند. (Siddiqi, 1982, p.87) شخصیت معروف شبه قاره، گاندی، از وی به عنوان متفکر بزرگ یاد می کند. شبلی نعمانی وی را بسیار می ستود و سردبیری «الندوة» چاپ لکهنو را به او سپرد. (Siddiqi, 1982, p.86)

وی علاقه مندان زیادی را به خود جلب کرده است، که به نظر می رسد علت این مقبولیت، سعه صدر و استقبال او از شنیدن هر نوع ایده و افکاری بوده باشد. اما تصریح می کرد که در هر صورت باید اعتدال رعایت شود. (Rizvi and Hameed, 1990, p.42)

مخالفتان وی که او را گمراه نامیده‌اند، در عین حال، از وی به عنوان فردی دانشمند یاد کرده‌اند. وی به دلیل نزدیکی به آیین هندو، مورد غضب فرقه «دیوبندی» قرار می‌گیرد. (Ikram 1995, pp.39-40; Rizvi and Hameed 1990, pp.42-43)

به دلیل مشکلات سیاسی و حمایت آزاد از نهضت خلافت عثمانیه ترکیه، که آن زمان در معرض انقراض قرار گرفته بود، به بسیاری از شهرهای هند ممنوع‌الورود شد. در این هنگام، خانه وی را سه بار در شهر کلکته بازرسی کردند و در این بازرسی‌ها، بسیاری از مقالات و قسمتی از کتاب‌های او مثل تفسیر ترجمان القرآن (تا سوره هود)، نوشته‌ای با عنوان «سیرت شاه ولی‌الله» و سایر نوشته‌هایی که به گفته آزاد حاصل سرمایه زندگی‌اش بود، از بین رفت. (Siddiqi, 1982, p.90; Rizvi and Hameed 1990, p.44)

وی در زندگی هفتاد ساله خود، شش بار به زندان رفت. ده‌سال‌ونیم از عمر باارزشش را در زندان گذراند و آخرین بار در قلعه احمدنگر در سال ۱۳۴۲ برای ششمین بار زندانی شد. (Siddiqi, 1982, p.90; Rizvi and Hameed 1990, p.43)

۵. اصول و مبانی تفسیری آزاد

آزاد بدون انکار رسمیت هر کدام از علم و دین، بر این نکته تأکید دارد که هر کدام از آنان قلمرو مستقل و جداگانه‌ای دارند. بدین معنا که نباید برای هر کدام از آموزه‌های دین حتماً توسط دستاوردهای علوم جدید توجیه شوند. به گفته آزاد به علوم جدید نباید اجازه داده شود قسمتی از دین را زیر سؤال ببرد. (Siddiqi, 1982, p.88)

البته باز آزاد تأکید دارد که تضاد بین علم و دین دیده نمی‌شود؛ بلکه سازگاری بین آنها می‌تواند منجر به «الهیات جهانی» شود، اما ممکن است هر کدام روش خاص خودش را داشته باشد. (Siddiqi, 1982, p.89)

آزاد بر این اعتقاد است که علم با اشیای حسی و قابل درک و دین با پدیده‌های فراحسی سروکار دارد. وی در ادامه می‌نویسد که علم و دین راه‌های متفاوتی را می‌پیمایند، اما در نهایت به یک منزل می‌رسند. وی تأکید فراوان دارد که تنها منبع ارزش‌ها، دین بوده است. (Rizvi and Hameed, 1990, p.45; Siddiqi, 1982, p.90)

آزاد در مورد اثبات خداوند بیشتر از این که به توجیه علمی تکیه کند، روی نیاز و وضع موجود تأکید دارد و می گوید عدم اعتقاد به وجود خدا مثل این است که صفحه اول و آخر از جهان حذف شده باشد و بدون وجود ذات مقدس، آفرینش قابل توجیه نمی باشد و همه چیز تاریک است، و اعتراف به وجود خدا به صورت فطری در انسان نهادینه شده است. آزاد بر این اعتقاد است که با توجه به برتری مسلم انسان بر حیوانات، انسان نیاز به موجود بالاتری دارد که جستجوی تکامل در آن اقتضای آن را دارد که موجودی مانند ذات مقدس، بالاتر از آن باشد تا بتواند روند تکامل را دنبال کنند. (Latif, 1958, p.22)

آزاد برای تأیید موضع خویش مثالی زبانشناختی ارائه می دهد که کودکان نیاز به یادگیری زبان دارند و این نیاز به صورت خودکار با وجود پدر و مادر تأمین می گردد، و اعتقاد به خدا نیز روند طبیعی و فطری است. (Latif, 1958, p.23)

آزاد طبقه تحصیل کرده یا به اصطلاح روشنفکران آن زمان را بدین جهت محکوم کرد که آنان حاضر نیستند ارزش علوم سنتی را به رسمیت بشناسند، و علمای سنتی را که ارزش علوم جدید را انکار می نمودند، نیز مورد نقد خویش قرار داد. (Rizvi and Hameed, 1990, p.27)

آزاد از جستجوی تئوری های علمی در قرآن اجتناب ورزید. وی در تفسیر ترجمان القرآن می گوید: هدف قرآن این است که حکمت را که در انسان نهفته است، متوجه سازد نه این که با توجیهی علمی سیستم کائنات را برای آن مکشوف سازد. وی می گوید قرآن دارای مفاهیمی است که مردم آن زمان با توجه به شرایط و استعداد خویش متوجه می شدند، درحالی که هیچ نوع آگاهی از علوم جدید به اصطلاح امروزی نداشتند. (Latif, 1958, p.23)

۶. نمونه های تفسیری از «ترجمان القرآن»

هدف اصلی دین ترقی و رفاه انسان ها است؛ ولی اوضاع و شرایط انسان ها از لحاظ زمان و مکان یکسان نیست. توانایی های فکری و اجتماعی، در زمان های مختلف و در کشورهای مختلف با هم فرق دارد و تغییر در شریعت را ضروری می سازد. و همین امر

اختلاف میان شریعت‌های مختلف را باعث می‌شود. وی برای اثبات این سخن خود به آیه ۶۷ سوره حج استناد می‌کند: «لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ» (Azad, 1931, Vol.2, p.268)

از طرفی دین میراث مشترک بشریت است و تغییرناپذیر است. اعمال و آداب، ثانوی هستند و تغییر می‌کنند و در معرض تغییر نیز هستند و با توجه به زمان و مکان و اقتضا و شرایط زمان تغییر می‌کنند. آزاد می‌گوید به این عبارت توجه کنید: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مَنَاجَا». ببینید واژه‌ای که در اینجا به کار رفته «دین» نیست که باید برای همه یکسان باشد، دین تغییر نمی‌پذیرد. شرعه و منہاج جزو آن دسته از مسایلی نیستند که به‌طور یک‌دست برای همگان یکسان باشند. بنابراین اجتناب‌ناپذیر است که اینها برای کشورها و زمان‌های مختلف متفاوت باشند. این نوع تفاوت‌ها در اساس دین نیست؛ بلکه تنها در فروع دین است. بنابراین ایمان به خدای واحد و زندگی پرهیزکارانه و با تقوا، اصل دین و سایر مسایل فروع دین است و بر اساس زمان و مکان تغییر می‌کند، و اختلاف در آداب روی خواهد داد و نباید معیار حقیقت قرار گیرد. آنچه در شرایط مختلف تغییر نمی‌کند، اصل دین است. و این همان محور و موضوع اصلی کتاب «ترجمان القرآن» است. در یک کلام «صراط المستقیم» در سوره فاتحه یعنی: «ایمان بیاورید و پرهیزکار و باتقوا باشید.» (Azad, 1931, Vol.1, p.40)

آزاد اعتقاد دارد که دین دو بُعد مهم دارد که یکی به نام «دین» و دیگری «شریعت» است. دین عبارت است از آن عقاید و تعالیم و اصول و اساسی که بین همه آیین‌ها مشترک بوده و نزاع‌ها برخاسته از شریعت و مقتضیات شرایط بوده است. ظاهر دین را «شرع» یا «منہاج» و «نسک» گویند. شرع و منہاج به معنای مسیر و راه است و نسک صرفاً شکل دعا یا پرستش است. (Azad, 1931, Vol.1, p.25)

از نظر قرآن، مناسک و تشریفات دینی، اصل و حقیقت دین نیست؛ بلکه وجهه ظاهری و بیرونی دین است و روح دین چیزی مافوق این مناسک است. در واقع دین، ایمان به خداوند از طریق یک زندگی پرهیزکارانه است و میراث منحصر به فرد یا گروهی خاص از مردم نیست. در خود قرآن نیز در آیه ۱۷۷ سوره بقره «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُّوا

وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ...» مورد اشاره قرار گرفته است. (Azad, 1931, Vol.2, p.225)

مولانا آزاد در مورد آیه تغییر قبله می‌گوید: وقتی پیامبر(ص) قبله را از مسجدالاقصی به مسجدالحرام برگرداند، این تغییر خوشایند مسیحیان و یهودیان نبود؛ زیرا آنان به ظاهر امر اهمیت می‌دادند. از نظر آنها نماز خواندن مسلمانان به سمت مسجدالاقصی به معنای درستی و صحت آنان بود. اما قرآن رویکردی متفاوت به این موضوع داشت و شکل ظاهری این قضیه به هیچ‌وجه معیار درستی باطن امری یا اساس دین محسوب نمی‌شد. هر دینی باید آیین عبادی خود را آن‌گونه که محیط آن طلب می‌کند، داشته باشد. چیزی که مهم است ایمان به خدا و زندگی پرهیزکارانه و باتقوا است. بنابراین کسی که در زندگی طالب حقیقت است، اول باید روی مسایل اساسی متمرکز شود و آن را آزمونی برای همه چیز و یا معیاری بداند که به‌وسیله آن حق را از باطل و درست را از غلط تشخیص دهد. قرآن در این زمینه می‌گوید: «وَلِكُلِّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّئُهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تُكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره: ۱۴۸). (Azad, 1931, Vol.2, p.268)

مولانا آزاد می‌گوید که قرآن در سوره مائده آیه ۴۸ پس از این که مکرراً به موسی(ع) و عیسی(ع) و پیامبر اسلام(ص) اشاره می‌کند، می‌گوید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمَنْهَاجًا وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ لِيُبْلِؤَكُمْ فِيمَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ.» (Azad, 1931, Vol.2, p.175)

آزاد بر این اعتقاد است که با توجه به این که احتمال سوءاستفاده از قدرت دین می‌رود، برای مبارزه با این پدیده مضر، اسلام اصل امر به معروف و نهی از منکر را معرفی کرده است. آزاد می‌نویسد: قرآن اشاره دارد که تعالیم دین دوگونه است: برخی از این تعالیم روح و باطن دین را و برخی دیگر ظاهر بیرونی آن را تشکیل می‌دهند. روح و باطن دین دارای اهمیت اولیه است؛ ولی ظاهر دین اهمیت ثانوی دارد. این روح دین است که «دین» نامیده می‌شود. وی ادامه می‌دهد که اختلافات میان ادیان اختلاف

در دین یا روح دین نیست؛ بلکه در شرع و منهاج و شکل ظاهری آن است. وی تأکید می‌کند که البته این اختلاف طبیعی است. (Abdul Latif, 1958, p.55)

آزاد آن دسته از علما را که برای علوم جدید ارزشی قائل نیستند یا آن دسته از دانشمندان که برای دین احترام کمی می‌گذارند، هر دو دسته را محکوم می‌کند. وی نقد برخی اعتقادات دین از راه دلیل یا علوم جدید را مناسب نمی‌داند، و دین را منطقه‌ای ممنوعه برای برخی از علوم جدید می‌داند. در عین حال، معتقد است که دین با یافته‌های علوم جدید تضاد ندارد؛ البته برای توجیه آموزه‌های دینی تفسیر علمی را روش مناسبی نمی‌داند.

از دیگر اعتقادات آزاد این است که یکی از مفاهیمی که در طول تاریخ مورد سوء تفاهم قرار گرفته است، مفهوم «جهاد» است. به گفته وی، در مفاهیم قرآن و حدیث «جهاد» عبارت است از «تلاش فراوان و حداکثری در راستای حق نه برای منافع فردی».

(Abdul Latif, 1958, p.28)

وی برای دین، نقشی جهانی مبتنی بر «اخلاق و خدمت به بشریت» قائل است. آزاد اسلام را دین جدید نمی‌شمارد؛ بلکه به گفته وی اسلام رسالت تکمیل دین را به عهده داشته است. وی روی اشتراکات ادیان تأکید فراوان دارد. (Azad, 1931, Vol.1,) (p.29)

آزاد بر این اعتقاد است که قرآن به جای این که «کلام الله» باشد «کلام من عندالله» است که از طریق پیامبر بروز و ظهور پیدا کرده است. وی در «ملفوظات آزاد» تأکید دارد که قرآن کلام از طرف خدا به صورت کلمات پیامبر(ص) بروز و ظهور کرده است. (Abdul Latif, 1958, p.18) اما در این باره توضیح بیشتری نمی‌دهد؛ البته قابل ذکر است که این نظر بین محققان و مفسران اسلامی نادر شمرده می‌شود.

آزاد از تفسیر علمی یا از یافته‌های علمی جهت ارائه تفسیر در سراسر تفسیر خویش پرهیز می‌کند. وی بر این اعتقاد است که با مطالعه کتب مقدس به این نتیجه می‌رسیم که هیچ‌یک از این کتاب‌ها تأکید بر برتری دیگری ندارد؛ بلکه ارزش‌های فراگیر را دنبال می‌کنند. وی تصریح می‌کند که دین تنها منبع ارزش‌های اخلاقی می‌باشد. (Latif, 1958, p.21)

آزاد تأکید داشته است که دین اسلام و قرآن تنها راه نجات را اعمال صالح می‌داند نه تعلق داشتن به دین یا فرقه خاصی. وی معتقد است که دین که از جانب خدا نازل گردیده، یکی بوده و بر وحدت آن تأکید دارد و دوری از آن را یک نوع انحراف می‌داند. (Latif, 1958, p.23)

به گفته وی، دین، بندگی مستقیم خداوند بدون هیچ واسطه است و این تعالیم همه پیامبران بوده است و هر نوع تضاد در عمل، یک نوع انحراف محسوب می‌شود. (Azad, 1931, Vol.2, p.29)

ابوالکلام در ذیل آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» سوره فاتحه (آیه ۶) می‌نویسد:

«پیروان مذاهب و ادیان رایج جهانی از جمله مسیحیت، یهودیت و صابئیت، اگر به نحوی ایمان بیاورند و عمل کنند که نبی آنان بدان عمل کرده است، این عمل برای نجات آنان در روز قیامت کفایت خواهد کرد. به دلیل این که اساس این ادیان یکی بوده و آن اعتقاد به خداوند و عمل صالح می‌باشد. انبیای الهی با تعالیم توحیدی مبعوث شده‌اند و دعوت به اعمال صالح نموده‌اند. اعمال سوء و شرک‌آمیز به دلیل تشتت افکار و تفرقه به وجود آمد.» (Azad, 1931, Vol.1, p.44)

نظریه «وحدت دین» را آزاد با عناوین متفاوت در تفسیر ذکر نموده و بر آن تأکید دارد. به گفته وی، قرآن نیز بر همین نظر تأکید دارد و در حقیقت مقصود و مطلوب قرآن همین است. (Azad, 1931, Vol.1, p.46)

ایشان در تأیید مطالب فوق به آیه زیر تمسک می‌جوید:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۶۲)

آزاد احکام تکلیفیه یا عبادات ظاهری را ملاک پاداش یا نجات ندانسته است. وی می‌نویسد:

«این عبادات و اعمال مشروع (که از طرف شریعت پیشنهاد شده) ظواهری جسمانی هستند که به حقیقت و روح دین ارتباطی ندارند.» (Azad, 1931, Vol.1, p.258)

به گفته آزاد، اگر کسی منکر این اعمال و عبادات باشد، باز می‌تواند مسلمان به‌شمار آید. وی به آیات زیر استناد می‌کند:

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...» (آل عمران: ۱۹) «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران: ۸۵)

در تفسیر آیات مذکور می‌نویسد:

«اسلام به مفهوم عام، عبارت از وحدت دین می‌باشد و اسلام ارتباط با شریعت خاصی ندارد. به‌همین دلیل، همه ادیان را به وحدت و راستی دعوت می‌کند. در این دعوت همه ادیان مساوی هستند.» (Azad, 1931, Vol.1, p.260)

«این تفاوت در رسوم و عبادات که بین مذاهب دیده می‌شود، ظاهری است و خلاصی از آن امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ زیرا این تفاوت از بالا (الهی) نیست و هیچ‌کس مستحق سرزنش به جهت آن اختلافات نمی‌باشد. لذا این سینه‌های تنگ را برای این‌گونه اختلافات باز بگذارید و آن ضیق و تنگ نظری را به‌طور کلی رها کنید» (Azad, 1931, Vol.1, p.261)

به عنوان مثال آزاد می‌گوید اگر تابع دین حضرت موسی (ع)، با ظهور دین اسلام طبق شریعت خویش عمل کند، باز مسلمان محسوب می‌گردد. (Azad, 1931 Vol.1, p.262)

«اسلام مردم را به همه ادیان دعوت می‌کند که دین حقیقی خویش را از اعمال باطل و اعمالی که در نتیجه هواهای نفسانی به وجود آمده، پالایش کنند و باید از آموزه‌های اساسی آن بهره‌مند شوند. اسلام از آنها این تقاضا را ندارد که دین خویش را ترک کنند و به جای آن دین دیگری اختیار کنند.» (Azad, 1931 Vol.1, p.263)

در ذیل آیه «... كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ» (بقره: ۶۵) می‌نویسد:

«شما مثل بوزینه رسوا شدید؛ چرا که هیچ‌یک از علائم انسانیت در شما دیده نمی‌شود.»

آزاد در ادامه ذیل آیه «... فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا...» (بقره: ۲۴۳) این‌گونه می‌نویسد:

«به دلیل ترس و بزدلی، شما استحقاق مرگ را دارید؛ به همین دلیل، دشمن بر شما غلبه خواهد کرد و شما نمی‌توانید بر آن فائق آئید.»
«... ثُمَّ أَحْيَاهُمْ...»؛ (بقره: ۲۴۳) «خداوند در آنها روح امید و عزم دمید و برای قتال آماده شدند و به همین دلیل، بر دشمن غلبه کردند.» (Azad, 1936, Vol.2, p.166)

جمع بندی

بخشی از اندیشه دینی مولانا ابوالکلام آزاد به خصوص در مورد روابط میان هندوها و مسلمانان، سخت متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی عصر او بوده است. مسایل دینی مطرح در کشور بزرگ هند، بسیار متنوع است و حال آن‌که برخی از این مسایل در سایر جوامع اسلامی عمومیت و حتی موضوعیت ندارد. بر این اساس، محققان این کشورها نیز ضرورتی برای طرح این مسایل نمی‌بینند. یکی از این مسایل جایگاه هندوها و بودایی‌ها و سایر پیروان مذاهب غیروحیانی هند در دین اسلام است. بی‌تردید نگاه سنتی اسلامی، پیروان این ادیان را کافر و غیر اهل کتاب می‌داند. این در حالی است که برای یافتن چهارمین گروه از اهل کتاب در اسلام، تلاش‌هایی در هند صورت گرفته و سعی شده است تا هندوها را اهل کتاب نشان دهند. طبق آیه ۲۴ سوره فاطر هیچ امتی نبوده که در میانشان ترساننده و راهنمایی نبوده باشد (... وَ إِنِّ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ) و طبق آیه ۴۷ سوره یونس برای هر امتی رسولی است (وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ...)، و غیره.

«ترجمان القرآن»، در واقع به دلیل قبول عامه مسلمانان هند، به صورت یک اثر تفسیری کلاسیک درآمده است؛ در عین حال، برخی نظرات ابوالکلام آزاد که نگاه متفاوتی را نسبت به علمای سنتی ابراز می‌داشت، دور از انتقاد باقی نماند.

کتابنامه

- آزاد، ابوالکلام (۱۹۷۴)، خطبات آزاد مرتبه مالک رام، نئی دهلی: ساهتیه اکادمی.
همو (۱۹۶۷)، غبار خاطر مرتبه، مالک رام - نئی دهلی: ساهتیه اکادمی.

دریا آبادی، عبدالماجد (۱۹۷۰)، اردو کا ادیبِ اعظم (ادیب بزرگ زبان اردو)، دہلی: اردو اکادمی.

سید عبداللہ (بی تا)، انوار ابوالکلام، دہلی: اردو اکادمی.

ملیح آبادی، احمد سعید، آبادی (۱۹۶۸)، مولانا آزاد کے چند اہم مسودات، مشمولہ مولانا ابوالکلام آزاد: شخصیت اور کارنامے مرتبہ خلیق (شخصیت، کارنامہ ہا و مسودات آزاد)، دہلی: اردو اکادمی.

ملیح آبادی، عبدالرزاق (۱۹۶۹)، ذکر آزاد، دہلی: اردو اکادمی.

Āzād, Abūkalām (1931), *Tarjuman al-Qur'an*, Delhi: Daftar-e-Tarjuman al-Qur'an.
Ahmad, Aziz, (1964), *Studies in Islamic Culture in the Indian Environment*, Oxford University Press.

Douglas, Ian Henderson (1993), *Abul Kalam Azad: An Intellectual and Religious Gandhi*, Rajmohan (1986), *Eight Lives: A Study of the Hindu-Muslim Encounter*, New York: State University Press.

Id (1990), *Patel: A Life*, Navajivan, Ahmadabad

G. Rasool, Abduhu (1973), *The educational ideas of Maulana Abul Kalam Azad*, original version from University of Michigan, published by Sterling Publishers

Gupta, K.r., Gupta, Amita (2006), *Concise Encyclopedia of India*, Vol. 3, Atlantic Publishers & Distributors.

Hameed, Seyeda Saiyidain (1998), *Islamic Seal on India's Independence*; Delhi.

Ikram, S. M. (1995), *Indian Muslims and Partition of India*, Atlantic Publishers and Distributors.

Hasan, Qamar (1987), *Muslims in India –Lahore- Lahore publications*
Indian Council for Cultural Relations, 1975, India's Maulana Abul Kalam Azad, Delhi.

Kabir, Humayun (1959), *India Wins Freedom – An Autobiographical Narrative by Abul Kalam Azad*, Bombay: Orient Longman.

Kumar, Ravindra (1991), *Life and Works of Maulana Abul Kalam Azad*, original version from University of Michigan, published by Atlantic Publishers & Distributors.

Ram, Malik (1967), *Ghubar-e-Khatir*, ed. Sahitya Akademi, New Delhi and (nd.), Anarkali Kitab Ghar, Lahore.

Seyed, Abdul Latif (1958), *Basic Concepts of the Qur'an*, Hyderabad: Academy of Islamic Studies.

Siddiqi, Mazharuddin (1982), *Modern Reformist Thought in the Muslim World*, Islamabad: Islamic Methodology.